



گروه علوم اجتماعی و علوم ارتباطات

شیوا علی‌نقیان

رتبه: برگزیده اول بخش جوان

تحصیلات: دکتری

عنوان اثر: مادری: تلاقی جنسیت و دیگر نظام‌های اجتماعی - خودمردم‌نگاری
برساخت اجتماعی مادری در شهر تهران

قالب اثر: رساله دکتری



درباره پژوهشگر

شیوا علی‌نقیان در سال ۱۳۶۵ در اصفهان به دنیا آمد. او مدرک کارشناسی خود را از دانشگاه اصفهان، کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه علامه طباطبایی و دکتری خود را در رشته انسان‌شناسی فرهنگی از دانشگاه تهران دریافت کرد.

علی‌نقیان که رتبه اول را در بین فارغ‌التحصیلان دوره دکتری کسب نمود، در سال ۱۳۹۸ از رساله خود با عنوان «مادری: تلاقی جنسیت و دیگر نظام‌های اجتماعی - خودمردم‌نگاری برساخت اجتماعی مادری در شهر تهران» دفاع کرد. کتاب برآمده از این رساله با عنوان «خط آبی کم رنگ» به زودی توسط انتشارات فرهنگ جاوید منتشر خواهد شد. دکتر علی‌نقیان پژوهشگر حوزه جنسیت، مادری، مردم‌نگاری و روایت پژوهی است و بیش از ۸ مقاله علمی-پژوهشی و یک مقاله بین‌المللی دارد و تاکنون نتایج پژوهش‌های خود را در چند کنفرانس معتبر داخلی و خارجی ارائه کرده است.

چکیده اثر

اگرچه در باور عموم «مادری» مقوله‌ای زیستی و مرحله‌ای طبیعی از زندگی بسیاری از زنان شناخته می‌شود، اما دانش اجتماعی به ما می‌گوید که همه زنان تجربه یکسانی از مادری ندارند و متأثر از بستر فرهنگی که در آن قرار می‌گیرند، مادری را درک کرده و آن را به کنش درمی‌آورند. در این رساله، که روایت بازاندیشانه نویسنده از تجربه مادری است، کوشش شده تا با وسط گذاشتن روایت‌هایی فردی از وجوه فرهنگی مادری خود، درگیری آن را با گفتمان‌ها و ایدئولوژی‌های مسلط بر مادری به چالش بکشد. در این پژوهش خودمردم‌نگارانه، محقق به دنبال کشف مسیری بود که جامعه هویت وی را به عنوان مادر شکل داد و به عبارتی مادر بودن را به وی «آموخت». در این مسیر به این باور رسید که حقیقتی طبیعی و غریزی از مادر بودن وجود ندارد، بلکه بسترهای اجتماعی و فرهنگی و نیز حوزه‌های دانش و شناخت موجود، حقیقت مادر بودن را شکل می‌دهد. همچنین این روایت فردی که موقعیت‌مندی وی در کنار دیگران را در یک بستر اجتماعی به چالش می‌طلبید، با ورود به میدانی متفاوت، در تعامل و برخورد با تجربه مادری «طبیعه»، که یک زن غربت و از اهالی محله محروم «لب خط» بود قرار داد. در این راستا کوشید تا از طریق نگارش متنی برانگیزاننده و شهادت‌دهنده، داستان‌شان که دو روایت کوچک محلی بود را به واسطه پیچیدگی‌هایش به بدنه اصلی جامعه پیوند دهد. در نگاه پژوهشگر این اثر، روایت زندگی هر کدام از ما سرشار است از ملاحظاتی در رابطه با تلاقی جنسیت، قومیت، طبقه اجتماعی، زبان و دیگر نظام‌های سلطه، که مزیت‌ها، نابرابری‌ها و میزان نزدیکی مان به قدرت را مشخص می‌کند. تجربه زیسته وی متأثر از این حقیقت است که به عنوان یک زن فارس، متأهل، شبعه و متعلق به طبقه متوسط، تجربه‌ها و باورهایش از مادری ملهم از همان مادری جریان اصلی است که سال‌ها پیرامون خود دیده و آموخته است، همانطور که «طبیعه» در تمام عمرش در معرض جریان حاشیه‌ای مادری قرار داشته، آنها را در خود درونی کرده و تجربه‌اش از غربت بودن، فرد دست بودن و فقر را در مادری خود بازتولید می‌نماید. به عبارت دیگر، مادر بودن برای هر دوی آنها به‌رغم تصور سیاست‌گذاران، رسانه‌ها و کتاب‌های تربیتی و فرزندپروری، «حس بودن در یک مای مشترک» را به آنها نمی‌دهد.

